

A Theoretical Framework for Understanding the Relationship between the Life Cycle and the Lifestyles of the Iranian Families

Mohammad Montazeri

Economic and Development Sociology Ph.D student, Faculty of Humanities, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran.

Omid Ali Ahmadi*

Assistant Professor of Sociology Department, Faculty of Humanities, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran. (Corresponding Author and Advisor)

Mohammad Hossein Asadi Davoodabadi

Assistant Professor of Sociology Department, Faculty of Humanities, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran. (Advisor)

Abstract: *As a dynamic social unit, family goes under a process of continuous change over time. The life cycle explains the transformation process of families, which is associated with the change in the entry and exit of family members and the role relationships between them over time and, accordingly, the lifestyles. These developments are of especial importance in the Iranian society. Using the relevant textual sources, descriptive and inferential analytical methods, and by establishing a theoretical relationship between these two variables, and by applying it to the Iranian society, the present research attempted to introduce the life cycle and lifestyles. This article tried to explain the life cycle and the different dimensions of lifestyles in the Iranian society, address their mutual effects on each other and, introduce possible effective variables to provide the theoretical framework needed for a quantitative and qualitative field research. In this theoretical framework, the roles of various variables, including family structure variables, space variables and geographical characteristics and intermediate variables, were considered. The pathology of the effects of life cycle relationship on the lifestyles in the Iranian society can be considered in the social and economic policy-making in the country, and planning for the revival of the Iranian family in the dialectics of tradition and modernity and the age of information explosion and virtual social networks.*

Keywords: *Theorizing, life cycle, family, lifestyle, social changes.*

* Email: omidaliahmadi@gmail.com (Corresponding Author)

چارچوب نظری برای درک رابطه چرخه زندگی و سبک زندگی خانواده ایرانی

محمد منتظری^۱، امید علی احمدی^۲؛ محمد حسین اسدی داود آبادی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

چکیده

خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی پویا، فرآیندی از تغییر مداوم و در گذر زمان را تجربه می کند. چرخه زندگی، فرایند تحول خانواده را توصیف می کند که با دگرگونی در ورود و خروج اعضای خانواده و روابط نقشی میان آنها در طول زمان و به تبع آن سبک زندگی همراه است. این تحولات به ویژه در جامعه ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. پژوهش حاضر با بهره گیری از منابع مکتوب و متون مرتبط در مقام معرفی چرخه زندگی و همچنین سبک زندگی از روش توصیفی و در برقراری رابطه نظری بین این دو متغیر و تطبیق آن بر جامعه ایران از روش تحلیلی استنتاجی بهره گرفته است. این مقاله با تبیین چرخه زندگی، و ابعاد مختلف سبک زندگی در جامعه ایرانی تلاش می کند، به تاثیر آنها بر همدیگر پرداخته و متغیرهای موثر احتمالی در این میان را معرفی نماید؛ تا از این راه چارچوب نظری مورد نیاز را برای پژوهش های میدانی (کمی و کیفی) فراهم نماید. در این چارچوب نظری، نقش متغیرهای مختلف شامل متغیرهای ساختار خانواده، متغیرهای فضا و ویژگی های جغرافیایی و متغیرهای میانی مورد توجه قرار گرفته است. آسیب شناسی تاثیر رابطه چرخه زندگی بر سبک زندگی در جامعه ایران، در سیاستگذاری های اجتماعی و اقتصادی کشور می تواند در برنامه ریزی برای حیات دوباره خانواده ایرانی در دیالکتیک سنت و مدرنیته و عصر انفجار اطلاعات و شبکه های اجتماعی مجازی مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظریه سازی، چرخه زندگی، خانواده، سبک زندگی، تغییرات اجتماعی

مقدمه و بیان مساله

خانواده^۴ نزدیک ترین واحد حیات به انسان است که اکثریت قریب به اتفاق انسان ها در آن به دنیا می آیند و نخستین گام های حیاتی را نیز در آن برمی دارند (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۲۰). خانواده انسانی را می توان یک گروه نهادی شده زیستی- اجتماعی تعریف کرد، متشکل از چند فرد بالغ که دست کم دو تای آنها بدون داشتن پیوند خونی و از دو جنس مخالف ازدواج کرده باشند و و فرزندان که زاده پیوند ازدواج افراد بالغ هستند. حداقل نقش ها و وظایف خانواده عبارت است از تامین رضایت مندی ها و نظارت در نیازهای عاطفی از جمله روابط جنسی، ایجاد موقعیت اجتماعی- فرهنگی برای تولید مثل، مراقبت، و پرورش اجتماعی فرزندان (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۳۸۲).

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران.
(E mail: mohamadmontazeri3790@gmail.com)

^۲ استادیار گروه جامعه شناسیدانشکده علوم انسانی واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول):
(E mail: omidaliahmadi@gmail.com)

^۳ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. (استاد مشاور)، (E mail: assadi2001ir@yahoo.com)
^۴ family

«چرخه زندگی خانواده» اصطلاحی است که فرایند تحول خانواده را توصیف می‌کند و با تولد فرزندان در خانواده و رشد آنها گره خورده است. خانواده همانند یک فرد، از فرایند رشدی و تحولی عبور می‌کند و روابط نقشی میان اعضای آن در طول زمان، تغییر قابل توجهی می‌یابد (استلا^۱، ۲۰۰۲). برای تقسیم بندی مراحل «چرخه زندگی خانواده» چندین نظریه وجود دارد که نظریه دووال^۲ و میلر^۳ (۱۹۸۵) و نظریه مک گلدریک^۴، کارتر^۵، گارسیا-پرتو^۶ (۲۰۱۱) از مهم ترین آنهاست. با همه اینها آنچه به عنوان «چرخه زندگی خانوادگی» در نظر گرفته می‌شود، متغیری اجتماعی-فرهنگی است که ممکن است در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، یکسان نباشد (حسینی، ۱۳۸۹). برای مثال آمریکایی‌های مکزیکی‌تبار، نسبت به آنچه در الگوی آمریکایی مشاهده می‌شود، معمولاً^۷ از دوره‌های نامزدی طولانی‌تر و کودکی گسترده تری برخوردارند (مک گلدریک، ۱۹۹۲)؛ و یا در ایران افراد غالباً پیش از ازدواج، مرحله‌ای تحت عنوان عقد یا نامزدی دارند، که به نظر می‌رسد با توجه به فرهنگ اسلامی ایران، شرایط متفاوتی با سایر جوامع داشته باشد (موسوی، ۱۳۹۷).

بر اساس نظریه مک گلدریک، کارتر، گارسیا-پرتو^۷ (۲۰۱۱) مراحل چرخه زندگی به ترتیب شامل بزرگسال جوان، زوج جوان (ازدواج)، خانواده با فرزندان خردسال، خانواده با فرزندان نوجوان، خانواده در میانه زندگی و خانواده در مراحل پایانی می‌باشد. خانواده‌ها در هر مرحله تحول، وظایف و مسئولیت‌هایی متناسب با آن مرحله دارند؛ همچنین ویژگی‌های روانی افراد و مشکلات هر مرحله، با مراحل دیگر متفاوت است؛ از این رو باید متناسب با مرحله تحولی خانواده، به راهنمایی و حل مشکلات و سعی در رشد آن پرداخت. به جهت‌های یاد شده، شناخت مراحل تحول خانواده در هر فرهنگ از جمله فرهنگ ایرانی-اسلامی اهمیت ویژه دارد. یکی از ابعاد مهم شناخت خانواده ایرانی، توجه به سبک زندگی است. از منظر گیدنز «سبک زندگی مجموعه‌ای تقریباً جامع از عملکردهاست که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه تنها نیازهای جاری او را بر می‌آوردند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می‌سازد» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰). فردی که در جوامع مدرن زندگی می‌کند بیشتر هویت فردی خود را در سبک زندگی‌اش متجلی می‌سازد و بدین ترتیب سبک زندگی ملازم مدرنیته است، چون متضمن انتخاب است؛ مفهومی که در فرهنگ سنتی بی‌معناست (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۲۰).

اساس چرخه زندگی خانواده بر ورود و خروج فرزندان و مراحل کلیدی رشد و تربیت آنها و تغییرات شغلی و سنی والدین (زن و شوهر) قرار دارد. اختلال در چرخه زندگی به دو شکل ممکن است روی دهد: طولانی/ کند شدن ورود به مراحل مختلف چرخه زندگی؛ عدم ورود به برخی مراحل چرخه زندگی به علت ناهنجاری‌ها در ساختار خانواده و یا حوادثی که به صورت غیر قابل پیش‌بینی دامن‌گیر خانواده می‌شود. این اختلال‌ها می‌تواند آسیب‌های مختلفی به همراه داشته باشد که کنترل آنها می‌تواند مورد توجه سیاستگذاران اجتماعی قرار گیرد. برخی از این آسیب‌ها می‌تواند سبک زندگی خانواده را با اختلال همراه کند. از طرف دیگر تغییرات اجتماعی جامعه ایران، ممکن است سبک زندگی خاصی را مبتنی بر عناصر مدرنیته -که جلوه اصلی آن مصرف‌گرایی است- بر خانواده ایرانی تحمیل کند که نتیجه آن اختلال در مراحل مختلف چرخه زندگی است. بر این اساس، لازم است با ارائه چارچوب نظری مبتنی بر جامعه ایران، چالش‌های روابط دیالتیکی چرخه زندگی و سبک زندگی را کنترل و مدیریت نمود. این کنترل و مدیریت، بدون شناخت تغییرات خانواده ایرانی ممکن نخواهد بود. خانواده ایرانی در طول تاریخ، همزمان با تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به ویژه تغییر حکومت‌ها دچار تحولات اساسی شده است. با اثرات مدرنیته به

¹ Stella, M.

² Duvall

³ Miller

⁴ McGoldrick, M

⁵ Carter, B

⁶ Garcia-Preto, N.

⁷ McGoldrick, M., Carter, B., & Garcia-Preto, N.

ویژه کوچک شدن خانواده ایرانی و تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، چرخه زندگی و سبک زندگی ایرانیان دچار تغییرات جدی شده است.

افزایش آسیب‌های حوزه خانواده، زنگ خطری برای سیاست‌گذاران اجتماعی کشور است. آثار سوء این آسیب‌ها بدون اغراق با آثار جنگ قابل مقایسه است. اهمیت این پژوهش نیز در همین محدوده یعنی حراست از مقدس‌ترین میراث اجتماعی جای می‌گیرد. لازمه این حراست، شناخت دقیق تحولات خانواده و متناسب‌سازی سبک زندگی بر اساس چرخه زندگی خانواده، و در رابطه دیالکتیکی، بررسی تأثیرات سبک زندگی حاکم بر جامعه بر چرخه زندگی است که پایه اولیه آن مبتنی بر تحلیل‌های نظری و نظریه‌پردازی است. این نظریه‌پردازی ما را در راه بهسازی ساختار خانواده و کنترل آسیب‌های اجتماعی خانواده و سیاستگذاری آن یاری خواهد کرد و این کوشش نظری بر مبنای همین انگیزه و هدف انجام یافته است. مرور پژوهش‌های انجام یافته نشان می‌دهد تاکنون رویکرد نظری جامعی درباره رابطه دیالکتیکی چرخه و سبک زندگی خانواده ایرانی از منظر جامعه‌شناسی طراحی نشده است. به عبارت دیگر در پژوهش‌ها خلا مهمی در این باب وجود دارد و بر این اساس، این پژوهش ضرورتی دو چندان دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و تحلیلی و توصیفی است که به کمک بهره‌گیری از منابع مکتوب و متون مرتبط، به تحلیل نظری رابطه چرخه زندگی و سبک زندگی می‌پردازد. روش این تحقیق در مقام معرفی چرخه زندگی و همچنین سبک زندگی توصیفی بوده اما در برقراری رابطه بین این دو متغیر و تطبیق آن بر جامعه ایران از روش تحلیلی استنتاجی بهره گرفته شده است.

عناصر چهارچوب نظری

ترسیم چهارچوبی نظری برای «تحلیل تأثیرات دیالکتیک چرخه زندگی و سبک زندگی خانواده» مستلزم شناخت مراحل و عناصر مختلف چرخه زندگی خانواده ایرانی، ابعاد مختلف سبک زندگی خانواده‌های ایرانی؛ و شناخت بستر شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایران است که در زیر به آنها پرداخته شده است:

چرخه زندگی خانواده

روان‌شناسان برای گروه‌های اجتماعی، مراحل تحولی را در نظر می‌گیرند که از شکل‌گیری تا انقضای گروه را در بر می‌گیرد. خانواده نیز مراحل متعددی را در گذر زمان تجربه می‌کند و می‌توان هر خانواده مفروض را در یکی از این مراحل در نظر گرفت. خانواده یک واحد اجتماعی ایستا نیست، بلکه فرآیندی از تغییر مداوم است. ورود افراد به مجموعه خانواده یا خروج از آن، موجب تغییر و تحول در خانواده است. اگر تغییر را مطابق زندگی بشری بهنجار بدانیم، خانواده را نیز باید بسیار انعطاف‌پذیر با نوسان دائمی و بیشتر در حالت عدم تعادل ببینیم. خانواده مانند همه ارگانیزم‌های زنده مایل به بقا و استمرار است و تغییر آن نیزگاه به منظور حفظ بقا و تعادل می‌باشد. در این بخش به معرفی مراحل و عناصر مختلف چرخه زندگی می‌پردازیم.

مراحل چرخه زندگی

آگاهی در مورد چرخه زندگی خانواده، رفتار مفیدی برای فهم موانع تعادل خانواده است. معیارهای مختلفی برای مراحل چرخه زندگی خانواده می‌توان در نظر گرفت. مدل دووال و میلر (۱۹۸۵) یکی از پرکاربردترین مدل‌ها برای توصیف این مراحل است. آنها براساس اصول تکاملی افراد، برای خانواده به عنوان یک واحد کل، مراحل تکاملی در نظر گرفتند. رشد خانواده در طی چرخه زندگی در یک الگوی قابل پیش‌بینی و مشخص رخ می‌دهد. مطالعه رشد خانواده، دو مرحله کلی را نشان می‌دهد:

مرحله توسعه خانواده: با اضافه شدن هر فرد جدید به خانواده نقش ها و روابط افزایش می یابند.

مرحله کوچک شدن خانواده: این مرحله زمانی است که اعضاء برای تشکیل زندگی جدید، خانواده را ترک می کنند.

دووال و میلر، در کتاب ازدواج و تحول و تکوین خانواده، سه معیار مختلف شامل تغییر در تعداد اعضای خانواده، سن و رتبه کلاسی بزرگترین فرزند و بازنشستگی پدر را با هم ترکیب کرده، چرخه زندگی خانواده را به ۸ مرحله تقسیم می کنند. در این مدل، سن بزرگترین فرزند خانواده، ملاک مشخص کردن مراحل مختلف زندگی است، حتی اگر فرزند یا فرزندان کوچکتری هم داشته باشد.

مراحل چرخه زندگی هر خانواده ای را می توان از نظر زمانی با یک دایره نشان داد. اندازه هر بخش از نمودار دایره ای، نشان دهنده مدت زمان مراحل هشتگانه است. این نمودار برای هر خانواده ای با خانواده دیگر متفاوت است. حتی ممکن است به علت عدم تولد فرزند در آن خانواده ها همه مراحل در آنها مشاهده نشود. از طرف دیگر، ممکن است برخی مراحل در خانواده ها کوتاه یا بلند مدت باشد. با اینهمه الگوی کلی و میانگینی از مدت مراحل مختلف چرخه زندگی می توان ترسیم نمود.

از طرف دیگر این نمودار در طول دهه های مختلف خانواده های یک جامعه دچار تحول می شود. به این معنا که به تدریج مراحل ۱، ۷ و ۸ در همه جوامع به ویژه جوامع صنعتی طولانی تر می شود؛ دلیل این مساله آن است که به دنبال تغییرات اجتماعی، صنعتی شدن جوامع، تغییر نقش ها و الگوهای زندگی برای زن، تعداد فرزندان خانواده ها کاهش پیدا می کند. به این معنا که بسیاری از زنان خواستار تحصیلات در سطح بالاتر یا آموزش های دیگر و تجارب کاری بیشتر هستند یا علاقه مند به داشتن وضعیت مالی بهتر و پایه محکم تری برای پیشرفت زندگی شان می باشند. در نتیجه ازدواج ها با تاخیر زمانی بوده و تمایل به بچه دار شدن کاهش یافته است.

هر مرحله از چرخه زندگی خانوادگی، وظایف و نیازهای تکاملی دارد که بایستی توسط خانواده برآورده شوند و شامل نیازهای بیولوژیکی، امور فرهنگی، آرزوها و ارزش هایی است که باید ارضاء شوند (جدول ۱).

جدول ۱: وظایف خانواده در مراحل هشتگانه چرخه زندگی

ردیف	مرحله چرخه زندگی خانواده	وظایف خانواده
۱	تشکیل خانواده	فراهم نمودن محیط رضایت بخش متقابل؛ تنظیم خانواده؛ ارتباط با اقوام و خویشاوندان
۲	فرزنددار شدن	تقویت خانواده به عنوان یک واحد ثابت و پایدار از طریق حفظ ارتباط رضایت بخش بین والدین و والدین و کودک؛ مشاوره باهمسر در زمینه کشمکش های ناشی از وظایف متعدد اعضای خانواده؛ برآورده کردن نیازهای تکاملی مادر، پدر و کودک؛ پذیرش نقش های جدید توسط اعضاء؛ توجه به برقراری و ارزش دادن به روابط صمیمی؛ ایجاد کانون گرم و محیط امن و راحت؛ ایجاد روابط متقابل قابل درک با کودک؛ حفظ و نگهداری روابط صمیمانه بر اساس نیاز کودک؛ حفظ فاصله بین تولدها؛ پاداش دادن به موقع در زمان مناسب به کودک، نه به عنوان رشوه
۳	خانواده با کودک سن قبل از مدرسه (پیش دبستانی)	محافظت کودکان از آسیب ها و سوانح؛ اجتماعی کردن کودک؛ آموزش مراقبت از خود به کودک؛ آماده کردن کودک بزرگتر برای ورود فرزند جدید و برقراری ارتباط بیشتر با او
۴	خانواده با فرزند سن مدرسه	باز نگه داشتن روابط خانوادگی؛ کارکردن با هم برای رسیدن به هدف مشترک؛ برنامه ریزی و اتخاذ روش های مناسب برای تداوم زندگی زناشویی؛ توجه به حریم کودکان؛ برقراری ارتباط نزدیک با بستگان؛ ارزش و بهادادن به زندگی خانوادگی؛ قبول عقاید جدیدی که کودک به منزل می آورد.
۵	خانواده با نوجوان	متعادل نمودن آزادی ها توأم با واگذاری مسئولیت به نوجوان؛ برقراری ارتباط باز و مناسب بین والدین و فرزندان؛ حفظ روابط مناسب همسران

ردیف	مرحله چرخه زندگی خانواده	وظایف خانواده
۶	روانه کردن فرزندان به خارج از منزل	حمایت از عدم وابستگی و استقلال فرزند؛ مراقبت از والدین سالمند و احتمالاً بیمار در خانواده زن و شوهر؛ تطابق والدین با ترک فرزندان؛ یادگرفتن "عدم وابستگی به فرزندان"، تعدیل ارتباطات خود در حفظ مرزهای ارتباطی با فرزندان؛ تطابق با نقش های جدید خانوادگی
۷	سن میانسالی	انتخاب شیوه سالم زندگی: ترک عادات غیربهداشتی، انجام فعالیت های تفریحی مناسب، استراحت کافی و...؛ احساس رضایت از ارتباط مؤثر با والدین پیر و فرزندان (حفظ ارتباط بین نسل های گذشته و آینده)؛ حفظ ارتباط بین همسران؛ تطابق با خلأ ناشی از ترک فرزندان
۸	سن بازنشستگی و سالمندی	داشتن زندگی رضایت بخش (مهمترین وظیفه تکاملی)؛ تطابق و سازش با کاهش میزان درآمد به علت بازنشستگی، هزینه درمان بیماری های مزمن و تورم اقتصادی؛ تطابق با ازدست دادن همسر (که بیشترین ضربه را وارد می کند)؛ تقویت ارتباط صحیح بین زوجین؛ رعایت نکات ایمنی در منزل؛ برنامه ریزی برای پیشگیری از اختلالات تغذیه ای دوران سالمندی.

عناصر و متغیرهای مؤثر بر چرخه زندگی

چرخه زندگی از عناصر و متغیرهای مختلفی تأثیر می گیرد که به آنها اشاره می شود:

ازدواج: بدون ازدواج زوجین، چرخه زندگی خانواده آغاز نمی شود. یکی از مهمترین مسایل اجتماعی خانواده ایرانی، تأخیر در شروع چرخه زندگی خانوادگی یا تأخیر در ازدواج است. با شروع چرخه زندگی، سبک زندگی مجردی به سبک زندگی متاهلی تغییر می یابد. «بررسی ها بیانگر آن است که به طور متوسط به ازای هر ۲ خانوار، یک جوان ازدواج نکرده در سن ازدواج قرار دارد. و نیز میانگین سن ازدواج در کلان شهرها بالا رفته است. کلان شهرها چون تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و کرج از آمارهای متفاوتی نسبت به سایر مناطق کشور برخوردارند. در سال ۱۳۹۴ برای مردان، بالاترین میانگین سن ازدواج به ترتیب در تهران با ۳۱،۱ سال، شیراز با ۳۰،۱ سال، کرج با ۳۰، اصفهان با ۲۹،۴ تبریز با ۲۸،۶ و مشهد با ۲۸،۴ سال به ثبت رسیده و برای زنان نیز این شاخص به ترتیب در تهران با ۲۷،۲ سال، شیراز با ۲۵،۹ سال، کرج با ۲۵،۹ سال، اصفهان با ۲۵،۳ سال، مشهد با ۲۳،۷، تبریز با ۲۳،۵ سال بوده است (محزون، ۲۰۱۶).

در این باره ویلیام گود عنوان می کند: تغییرات ملموسی در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه این تغییرات در نقطه مشترکی با هم تلاقی می کنند که عبارت اند از: افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج های ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر. به عقیده او پارامترهای ازدواج در جوامع مختلف به همگرایی نزدیک می شوند (گود، ۱: ۱۹۸۹: ۵۷).

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته به تدریج شاهد آن هستیم که بیش از نیمی از ازدواج ها بعد از سن ۳۰ سالگی اتفاق بیفتند. در محافل علوم اجتماعی، این الگوی تأخیر در ازدواج معمولاً "به عنوان پیشرفت تلقی و در مورد آن گفتگو می شود (کارول و همکاران، ۲۰۰۶). با این توصیف، به نظر می رسد یکی از الگوهای جدید مواجهه جوانان در جامعه ایران با ازدواج، «ازدواج انتخابی» یا «تأخیری» محسوب می شود. درواقع ازدواج انتخابی به کنشی اطلاق می شود که فرد در هر جنبه زندگی (به لحاظ روحی، معنوی، مالی و جسمی) به وضعیت بلوغ رسیده باشد و بیشتر زمینه ها و شرایط ازدواج فراهم می باشد ولی ازدواج نکند و آن را در مراتب بعدی اهمیت در زندگی قرار دهد. «ازدواج انتخابی» یا «تأخیری» موجب تأخیر در چرخه زندگی و بالا رفتن احتمال بروز آسیب های مختلف اجتماعی و از همه مهمتر پیری جمعیت و کاهش فرزندآوری می شود.

وضعیت جسمی و روحی زوجین: چرخه زندگی خانوادگی به شدت تحت تأثیر وضعیت جسمی و روحی زوجین برای تصمیم به فرزندآوری و فرزندپروری است. بیماری های جسمی و روحی احتمال ناباروری را تشدید می کنند. تحقیقات انجام شده در

¹ Good

² Carroll

کشور نشان می‌دهد که در واقع از هر ۶ زوج که تصمیم به بچه دار شدن می‌گیرند یک زوج صاحب فرزند نمی‌شود (ایرنا، ۱۳۹۴: www.irna.ir/xjdxpV). آمارها از وجود بیش از سه میلیون زوج نابارور در ایران خبر می‌دهند (ایرنا، ۱۳۹۴: www.irna.ir/xjccsh).

وقتی فرزندی در خانواده متولد نشود، احتمال فروپاشی آن یا پدیده چند همسری و به تبع آن، احتمال آسیب‌های اجتماعی خانواده افزایش خواهد یافت. در صورت تداوم زندگی با وضعیت بدون بچه نیز برخی مراحل چرخه زندگی در عمل بسیار طولانی و برخی حذف خواهند شد و در صورت فوت یکی از زوجین، باز انبوهی از مسایل فردی و خانوادگی بر سر زوج دیگر خراب خواهد شد.

فرزند و فرزندان: فرزند و فرزندان عامل پیشران خانواده در ورود به مراحل بالاتر چرخه زندگی است. در زیر عناصر مهم تعیین کننده این متغیر بررسی شده است.

تولد فرزند اول: عامل مهم تداوم چرخه زندگی پس از شروع آن با ازدواج، تولد فرزند اول است. تولد فرزند اول، موجی از مسایل جدید خانوادگی در ابعاد مختلف جسمی، روحی، اقتصادی و حتی فرهنگی و روابط بین نسلی پدید می‌آورد که سبک زندگی خانواده زوجین را به تبع آن دچار تغییر می‌کند.

تولد فرزند دوم: تولد فرزند دوم، حجم مسایل خانوادگی را که با تولد فرزند اول آغاز شده بود افزایش می‌دهد؛ اما به علت بالا رفتن تجارب پدر و مادر امکان رویارویی با این مشکلات و مسایل افزایش می‌یابد. امکان همبازی شدن فرزند اول با فرزند دوم و تعاملات بین آنها، از مسایل مهم خانواده در این باب است. تولد فرزندان بیشتر، موجب می‌شود والدین مسایل دوره‌های قبلی چرخه زندگی را در بستری متفاوت دوباره تجربه کنند.

فاصله سنی فرزندان: فاصله سنی فرزندان از عوامل مهمی تاثیر می‌گیرد که همه آنها بر پایه آمادگی جسمی و روحی و حتی شغلی مادر برای فرزندآوری مجدد و امکان حمایت همسر و حمایت خانوادگی و اجتماعی و سازمانی قرار دارد. ورود و خروج فرزندان از مقاطع تحصیلی: ثبت نام فرزند یا فرزندان در مقطع ابتدایی و مقاطع بالاتر، موجب ورود خانواده به مراحل بالاتر چرخه زندگی می‌شود.

جدایی فرزندان از خانواده: با خروج فرزندان از خانواده به علت ازدواج و تشکیل خانواده هسته‌ای جدید، موج دوم مراحل چرخه زندگی خانواده شکل می‌گیرد. در وضعیت کنونی کشور، روند جدایی فرزندان با ازدواج به منظور تشکیل خانواده جدید به تاخیر افتاده و با ماندگار شدن فرزندان تا زمانی نامعین، خانواده از پاسخگویی به مطالبات ساختاری جدید عاجز مانده است. براساس آمار موجود، حدود ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر جوان ایرانی در سن ازدواج و مجرد هستند و ۲۲۰ هزار نفر از جمعیت کشور هم تا ۵۰ سالگی ازدواج نکرده و مجرد قطعی محسوب می‌شوند. این آمار بالای مجردین، زنگ خطر جدی برای افزایش تورم ساختاری خانواده ایرانی است. از طرف دیگر، بر اساس آمار ثبت احوال از سال ۱۳۹۵ تا انتهای سال ۱۳۹۹ بیش از ۸۹۳ هزار طلاق ثبت شده است که ۲۸۳ هزار مورد از آنها به زوج‌هایی مربوط می‌شود که از ازدواج آنها بین یک تا ۵ سال گذشته است. بازگشت این تعداد مطلقه به همراه فرزندان طلاق به دامن خانواده پدری می‌تواند تورم ساختاری خانواده را تشدید کند. علت سوم این پدیده، تاخیر در مراسم عروسی فرزندان ازدواج کرده به علت گرانی و هزینه‌های مسکن مستقل است. (میرزامحمدی، ۱۴۰۰).

تاخیر ازدواج جوانان، آثار و عواقب اجتماعی بسیار ناگواری برای جامعه ایران به همراه دارد که برخی از آنها عبارتند از: در نتیجه این پدیده، پدر به عنوان نان‌آور خانواده مجبور است برای تامین نیازهای فرزندان به اضافه کاری و کارهای دوم و سوم روی بیاورد.

این وضعیت به افسردگی جوانان منجر شده و بستری مناسب برای آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت خانگی، اعتیاد و روابط نامشروع خواهد بود. این مساله زمانی تشدید می‌شود که پدر و مادر به علت شرایط سنی فرزندان نمی‌توانند کنترل چندانی روی آنها داشته باشند. در چنین مواردی درگیری‌های بین والدین با فرزندان، احتمال خشونت خانگی را افزایش خواهد داد.

بر اثر تاخیر ازدواج جوانان، نرخ زادوولد کشور به شدت افت خواهد کرد و در آینده نزدیک بحران جمعیتی تشدید خواهد شد. در طول سه سال بحران اقتصادی کشور از سال ۱۳۹۷ تا انتهای ۱۳۹۹، حدود ۴۰۰ هزار تولد از مجموع تولدها (یعنی ۳۰ درصد آنها) کاسته شده است و نرخ باروری در آخرین داده‌های مرکز آمار ایران به زیر «سطح جانشینی» (حدود ۱,۷۴) تنزل یافته است. «توزیع جغرافیایی تاخیر در ازدواج» در مناطق مختلف و واکنش اقوام ایرانی در مقابله و سازگاری با این پدیده یکسان نیست. در نتیجه با به هم خوردن تعادل جمعیتی اقوام در استان‌های کشور، مسائل اجتماعی و امنیتی جدیدی در حال شکل‌گیری است که به تدریج بر دامنه آنها افزوده خواهد شد. (میرزاحمدی، ۱۴۰۰).

توان مالی و اقتصادی خانواده: زمان ورود زوجین با ازدواج به چرخه زندگی به توان مالی و اقتصادی خانواده آنها بستگی دارد. همچنین تصمیم آنها برای فرزندآوری نیز که موتور محرک مراحل دیگر چرخه زندگی خانواده است تحت تاثیر توان مالی و اقتصادی خانواده قرار دارد.

فضای فیزیکی زندگی: برای ازدواج، وجود مسکن و فضای مناسب اهمیتی کلیدی دارد. هر چه خانواده فضای بهتر و بیشتری در اختیار داشته باشند ورود آنها برای مراحل بالاتر چرخه زندگی تسهیل می‌شود. از جمله فرزندآوری زودتر محقق می‌شود و امکان تولد فرزندان بیشتر فراهم شده و از طرف دیگر، روند جدایی فرزندان با ازدواج از خانواده و تشکیل خانواده جدید سریعتر روی می‌دهد.

معماری جدید بر استفاده بهینه از فضا و فشرده سازی برای کاهش هزینه‌های اقتصادی تاکید دارد. در نتیجه، این معماری، توجه چندانی به رابطه عاطفی انسان با فضا و دلبستگی فضایی ندارد. این چشم انداز اقتصادی موجب شده است خانه‌های جدید به صورتی طراحی شوند که تعداد اعضای خانواده نمی‌تواند از ۳ یا ۴ نفر بالاتر رود.

در معماری جدید، خانه‌ها، پاسخگوی نیازهای «مراحل مهم چرخه زندگی» نیستند. در نتیجه، زوجین برای تصمیم درباره فرزندآوری، مجبورند با توجه به بهبود وضعیت مالی خود در مراحل مختلف زندگی، خانه خود را فروخته و در خانه دیگری ساکن شوند. این تصور ناپایداری، «امنیت روانی زوجین» را برای برنامه‌ریزی فرزندآوری و فرزندپروری مخدوش می‌کند. از طرف دیگر، تغییر محل زندگی فرزندان، با تغییر مدرسه، دوستان، همبازی‌ها و دوری از آشنایان قبلی همراه است که در نتیجه آن، زوجین برای کاهش تنش‌ها و آسیب‌های احتمالی، ترجیح می‌دهند از خیر فرزندآوری بگذرند. (میرزاحمدی، ۱۴۰۳: ۱).

حمایت اجتماعی و خانوادگی: ورود به مراحل چرخه زندگی به ویژه تصمیم به فرزندآوری و فرزندپروری با حمایت اجتماعی و خانوادگی و حلقه‌های اجتماعی تسهیل می‌شود. به این معنا که خانواده‌های زوجین و همسایه‌ها و فامیل با کمک و حمایت به موقع خود، فرزندپروری را تسهیل کنند. موقتی بودن مسکن‌ها و تغییر آنها در چرخه زندگی موجب شده است خانواده‌ها، ارتباط مستمر و عمیقی با دیگر خانواده‌های محله به ویژه همسایه‌ها نداشته باشند. در صورتیکه ساختار مسکن‌های قدیمی ایرانی، مبتنی بر روابط عمیق همسایه‌ها و هم محله‌ای‌ها و مشارکت آنها در کارها و همیاری همدیگر بوده است. در این ساختار، مشکلات پیش‌بینی نشده فرزندپروری زوجین جوان با همیاری همسایه‌های مسن‌تر کاهش می‌یافت.

در ساختار معماری جدید، عنصر غریبگی که با تصور ناپایداری مسکن‌ها در ذهنیت ساکنان منطقه تقویت می‌شود مانع از تعامل ساکنان برای همیاری در مشکلات همدیگر می‌شود. ساکنان، خود را «مهمانان و مسافرانی چند ساله» در منطقه زندگی خود تلقی می‌کنند که مانع از تعمیق تعاملات آنها با همدیگر می‌شود.

باورها و اعتقادات خانواده: چرخه زندگی خانواده از این نظر تحت تاثیر باورها و اعتقادات زوجین قرار دارد که تمایل آنها را به ازدواج، فرزندآوری و فرزندپروری تحت تاثیر قرار می‌دهد (زارع و هاشمی، ۱۳۹۲: ۸۱). دین اسلام از جمله ادیانی است که زاد و ولد را تشویق می‌کند (شیخی، ۱۳۷۹: ۱۷۴). در ادله و متون دین اسلام، باروری و تولید مثل، امری پسندیده و ممدوح بوده و نسبت به آن تاکید و ترغیب فراوان صورت گرفته است. از منظر متون دینی، فرزند شایسته، نعمتی از نعمت های الهی و گلی از گل های بهشت است (کلینی، فروغ کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۰)، مایه زینت زندگی (سوره کهف، آیه ۴۶) و یار و مددکار انسان (سوره اسرا: ۶؛ سوره نوح: ۱۲) می باشد، یادگار و جانشین پدر و مادر (حر عاملی، ص ۳۵۷، ح ۲۷۲۸۹) در دنیا و استغفارگویی و اعمال نیک آنان، سبب آموزش و نیک بختی والدین در حیات اخروی (صدوق، بی تا، ج ۳، ص ۳۰۹، باب ۱۴۸) می شود. مشخص است افرادی که به آموزه های دینی توجه و باور دارند، به ازدواج به موقع و فرزندآوری بیشتر مقید هستند.

سیاستگذاری دولت ها: چرخه زندگی خانواده ایرانی تحت تاثیر سیاستگذاری های دولت ها قرار دارد. میزان رشد جمعیت در ایران، با کنار گذاشتن سیاست های کنترل جمعیتی (که در سال های پایانی دولت پهلوی و در کنار برنامه های عمرانی آن دولت مورد توجه قرار گرفته بود)، در طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به رقم ۳،۹۲ درصد رسیده بود، که یکی از بالاترین ارقام در سطح جهان بود. در این دوره، ترویج نظری برای افزایش جمعیت، در میان برخی گروه های اجتماعی مرجع و مبلغان و پیشوایان مذهبی آنان، که افزایش جمعیت را هم آهنگ با شرع و بلکه خواست و مطلوب شارع می دانستند نیز عملاً به افزایش نرخ جمعیت دامن زد؛ به گونه ای که رشد جمعیت در طول دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، شاهد افزایش بیش از ۱۵ میلیون نفر بود که در صورت ادامه این رشد، می بایست در کمتر از ۱۸ سال جمعیت ایران دو برابر می شد؛ یعنی اگر در طول حدود ۳ برنامه ۵ ساله، همه امکانات موجود کشور (مدارس، بیمارستان ها، ورزشگاه ها، راه ها و مانند آن) دو برابر می شد، (با فرض محال فرسوده نشدن امکانات موجود) تازه می توانستیم وضعیت اداره کشور را در حد سال ۱۳۶۷ نگه داریم. بر این اساس توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی و نیز برنامه ریزی کردن برای آنها بیهوده می شد (علینقی، ۱۳۸۸: ۱۲۱ - ۱۲۲).

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، مسئولان کشور از آثار و پیامدهای ناشی از افزایش جمعیت و رشد آهنگ آن آگاه شدند و برخلاف خوش بینی های اولیه و با پدید آمدن درک روشن از آثار منفی افزایش جمعیت در میان مدیران ارشد کشور، رشد بالای جمعیت، تهدیدی علیه سعادت خانواده و جامعه به شمار آمد و تلاش ها برای توقف و کاستن از این رشد آغاز شد. این موضوع به رهبران عالی رتبه مذهبی جهت اخذ نظر آنان ارجاع شد که فتاوی علما در این زمینه و بازگویی مکرر این فتاوا توسط مراجع حکومتی، عامل تقویت کننده موثری در موفقیت برنامه کنترل خانواده بوده است (آقاجانیان^۱، ۱۹۹۸: ۴۷).

اما نتایج پیش بینی های جمعیتی ایران در سال های اخیر نشان می دهد با هر سناریویی، ایران در آینده با پدیده سالمندی جمعیت روبه رو خواهد شد و این امر اجتناب ناپذیر است. حتی اگر باروری بالا رود، حجم جمعیت جوان حاضر (متولدین دهه شصت)، تا سه یا چهار دهه دیگر وارد سن سالمندی خواهند شد که نیازمند به کارگیری سیاست «سالمندی سالم» است. این در حالی است که سالمندی بحران جمعیتی نیست، بلکه اغلب ساختارهای جمعیتی در طی گذار و انتقال جمعیتی با سالمندی روبه رو می شوند که امری طبیعی است (فنتی، ۱۳۹۸: ۳۸۷).

اختلال در چرخه زندگی خانواده ایرانی، زنگ خطری برای سیاستگذاران اجتماعی و اقتصادی کشور است. آثار سوء این پدیده بدون اغراق با آثار جنگ قابل مقایسه است. جلوگیری از افزایش تورم ساختاری خانواده، جز با حل مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور و افزایش رونق اقتصادی و کارآفرینی و حل ریشه ای مشکل مسکن خانواده ها و پس از آن تسهیل و تشویق روند ازدواج جوانان امکان پذیر نخواهد بود. تورم مزمن اقتصادی و عدم اتخاذ راهکارهای مناسب برای آن با تشدید تورم ساختاری

^۱ Aghajanian

خانواده ایرانی علاوه بر تهدید بنیان خانواده‌ها، آثار ویرانگری بر جای خواهد گذاشت که دیر یا زود در تامین نیروی انسانی، امنیت جمعیتی، وضعیت روانی و آسیب‌های اجتماعی کشور، نمایان خواهد شد. (میرزامحمدی، ۱۴۰۰).



شکل ۱: عناصر و متغیرهای موثر بر چرخه زندگی خانواده

سبک زندگی

سبک زندگی یکی از پر دامنه‌ترین مفاهیم حوزه علوم اجتماعی، الگویی از اندیشه‌ها، احساسات، شناخت‌ها و کنش‌هاست که هویت اجتماعی و نحوه ساماندهی زندگی فرد را مشخص می‌سازد (سایرا،^۱ ۱۹۹۶: ۷۵). سبک زندگی به رفتارها و الگوهای کنش‌های هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و زندگی اجتماعی باشد اطلاق می‌شود و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است. سبک زندگی را می‌توان در تمامی کنش‌ها و رفتارهای فرد و در تعاملات و ارتباطات وی با دیگران، طبیعت و به طور کلی محیط اجتماعی اطراف وی ملاحظه و مشاهده کرد. در این معنا، سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روبه روز افزایش می‌یابد (علاسوند، ۱۳۹۲: ۴۶).

در تعبیری دیگر، سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از کلیه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است. این امور می‌تواند شامل دارایی‌ها، الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، مصرف، فعالیت‌های فراغتی و سرگرمی، پوشش و مدیریت بدن، نحوه غذا خوردن، دکوراسیون منزل و ... باشد که امور و رفتارهایی بیرونی و قابل مشاهده‌اند. همچنین می‌تواند دربرگیرنده بینش‌ها (ادراکات، اعتقادات و جهان‌بینی)، گرایش‌ها (ارزش‌ها و ترجیحات) و مانند آنها باشد که رفتارهایی درونی و ذهنی‌اند. سبک زندگی، گستره رفتاری را در برمی‌گیرد که اصلی انسجام بخش و هماهنگ کننده بر آن حاکم است و بخش اعظم زندگی فرد را تحت سیطره دارد.

دنیای مدرن و شناسه‌ها و تحولات آن، نظیر گسترش و پیشرفت وسایل فناورانه و ارتباطی، افزایش سرمایه فرهنگی در خانواده‌ها، دسترسی فراوان به این عناصر و توجه ویژه جوانان به این روند، در شکل دادن به سبک‌های زندگی مختلف و به تبع آن،

^۱ Thyra

شکل دادن به هویت های متناسب با آن سبک زندگی، تأثیر فراوان و انکارنشدنی دارد (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲). سبک زندگی یک ساختار پیچیده همراه با مجموعه مسائل زیادی در حوزه مطالعات فرهنگی است (جنسن^۱، ۲۰۱۱: ۱۷۷) که عوامل زیادی بر آن موثر هستند. یکی از مهمترین عوامل مداخله گر در سبک زندگی، چرخه زندگی خانواده هستند.

ابعاد مختلف سبک زندگی

برای سبک زندگی، ابعاد مختلفی می توان ذکر نمود که یکی از آنها بعد مصرف است. منظور از سبک زندگی مبتنی بر مصرف، بعدی از سبک زندگی مادی است که در آن فعل و انفعال فرد در محیط زندگی به صورت مصرف کالا و دریافت خدمات بروز و ظهور پیدا می کند. سبک زندگی مبتنی بر مصرف بر اساس فراغت و تفریح، مدیریت بدن، سبک پوشش و مد، و سبک تغذیه فرد مشخص می شود.

عناصر موثر بر سبک زندگی خانواده ایرانی

در سبک زندگی خانواده ایرانی عوامل مهمی تاثیر هستند که در زیر مورد بحث قرار گرفته اند:

طبقه اجتماعی: درباره تاثیر طبقه اجتماعی بر سبک زندگی خانواده ایرانی می توان گفت که دیدگاه های متفاوت و حتی متناقضی در این باب وجود دارد. طبقه اجتماعی مشخص کننده میزان امکانات و میدان در اختیار افراد برای پیگیری سبک زندگی مورد علاقه آنهاست. در نتیجه سبک زندگی در میان طبقات مرفه و طبقات پایین و متوسط به شیوه های متفاوتی پیگیری می شود. طبقات پایین جامعه، امکانات محدودی در اختیار دارند و در نتیجه هر سبک زندگی به ویژه سبک های زندگی که محوریت آنها مصرف و هزینه های سنگین کالاها می باشد را نمی توانند پیگیری کنند. اما درباره طبقات بالای جامعه وضعیت به گونه ای دیگر است. نتایج یک پژوهش درباره سبک زندگی طبقه بالای ایران، از دانش و سواد فرهنگی پایین و نوعی درهم آمیختگی، شکلیت های چندگانه، چنددائقی و به عبارتی «همه چیزپسندی» فرهنگی در میان اعضای طبقه بالا ایران حکایت دارد. همین امر اجازه طرح یک گونه شناسی جامع و یکپارچه در مورد زندگی آن ها را به ما نمی دهد. یافته ها نشان می دهد که طبقه بالا، تولیدکننده نوعی ذائقه فرهنگی و یا سبک زندگی خاص در میان اعضای خود نبوده است (عزیزی مهر و پیری، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

توزیع قدرت خانوادگی و سبک های فرزندپروری: قدرت، ایجاد رویدادی معین یا تاثیر یا نفوذی که توسط انسان یا گروه با هر وسیله و به شیوه های مورد نظر بر رفتار دیگران اعمال گردد گفته می شود (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۶۶۷). قدرت در خانواده بر اساس نظریه تفکیک نقش ها پارسونز بر مبنای جنسیت و تفکیک بر مبنای سن است (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲).

هر چقدر میزان توزیع قدرت خانوادگی محدودتر باشد و پدرسالاری حاکم بر خانواده به اعضای خانواده اجازه آزادی عمل بیشتری ندهد امکان نوآوری و تغییر سبک زندگی خانواده کاهش خواهد یافت. توزیع قدرت خانوادگی بر سبک های فرزندپروری نیز تاثیر می گذارد. سبک های فرزندپروری، الگوهای استاندارد از تربیت فرزندان هستند که با واکنش مشخص والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می شوند (کوپال^۲ و همکاران، ۲۰۰۲). مطالعات متعدد، شواهدی را فراهم آورده است که نقش حیاتی سبک های فرزندپروری و انضباط مؤثر را برجسته می سازد که این امر در تعیین شایستگی اجتماعی کودک، نقش مهمی ایفا می کند (پترسون^۳ و همکاران، ۲۰۰۰). منظور از دموکراتیک بودن تربیت خانوادگی، میزان اهمیتی است که والدین به شخصیت و آزادی فرزند خود در تصمیم گیری های خانوادگی می دهند و او را در این امر سهیم می کنند. هر چه تربیت خانوادگی دموکراتیک تر باشد سبک زندگی خانواده منعطف تر خواهد بود.

^۱ Jansen

^۲ Coplan RJ

^۳ Patterson GR

رفاه منطقه زندگی: مناطق مختلف زندگی در شهرها بر اساس قیمت زمین به مرفه، متوسط و فقیر دسته بندی می شود. به عبارت دیگر، سطح رفاه فردی و اجتماعی ساکنان هر منطقه شهری با دیگر مناطق متفاوت است که در نتیجه آن، امکان پیگیری انواع خاصی از سبک زندگی که با امکانات و رفاه افراد در تناسب است وجود دارد.

فضای فیزیکی خانواده: پیگیری سبک زندگی خاص وابسته به فضای فیزیکی است. هر فضای فیزیکی اجازه هر نوع سبک زندگی را نمی دهد. خانه های مسکونی دارای ۵ نوع عرصه مختلف هستند: عرصه زندگی خانوادگی، عرصه زندگی خصوصی و فردی، عرصه پذیرایی و مراسم، عرصه خدمات، عرصه فضاهای باز و حیاط. هر چقدر فضای بیشتری در اختیار خانواده باشد و عرصه های پنجگانه وسعت بیشتری داشته باشند امکان پیگیری سبک زندگی مرفه تر افزایش می یابد. استیلای خانه های قوطی کبریتی آپارتمانی، موجب گسست ارتباط سبک زندگی خانواده با فضای عاطفی خانه و ظهور رقبای فضای فیزیکی و اجاره ای و گسسته شدن رابطه عاطفی انسان با فضا و دلبستگی فضایی شده است (میرزامحمدی، ۱۴۰۳: ۱).

رسانه: رسانه ها با پررنگ کردن و کم رنگ کردن ابعاد زندگی موجب می شوند، نگرش افراد به سبک زندگی تغییر یابد. نتایج پژوهش های مختلف در ایران نشان دهنده تاثیر رسانه ها بر سبک زندگی افراد است. استفاده هدفمند از رسانه و اولویت محتوای ورزشی، تأثیر مثبت و معنادار بر سبک زندگی سالم دارد (آقایاری هیر و داداشی، ۱۴۰۱: ۸۹؛ گلابی، ۱۴۰۱: ۶۵). به عبارت دیگر بین سبک زندگی و رسانه ها شامل دیجیتال شدن مصرف رسانه ای، استفاده از شبکه اجتماعی مجازی، مدت عضویت و میزان وابستگی رابطه معناداری وجود دارد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹).

باورها و اعتقادات: دین اساساً با نمادهایی سروکار دارد که غیرعینی اند و احساسات، ارزش ها، امیدهای مومنان را بیان می کند و جریان کنش متقابل میان انسان ها و اعیان خارجی را سازمان می دهد و به نظم می کشاند یا کل مجموعه اذهان و اعیان را جمع بندی می کند و یا زمینه این کل را نشان می دهد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۵)؛ بنابراین، دین در عمل، به منزله یک سیستم ارزشی به حرکت های انسان ها جهت می دهد و آنها را هدفمند و انسان را به سوی اعتلای روانی- انسانی و تکامل رهنمون می کند. بر این اساس، دین در انتخاب سبک زندگی خاص و دوری از سبک های زندگی که با آموزه های دینی در تضاد است، نقش کلیدی دارد. از طرف دیگر خود دین، سبک زندگی خاصی به وجود می آورد که در عمل به آموزه های دینی به ویژه سنت ها و آیین ها و مناسک دینی نمود پیدا می کند.

حوادث و رویدادهای چرخه زندگی: در طول مراحل مختلف زندگی، ممکن است رویدادهایی رخ دهد که در بدترین حالت، مانع ورود خانواده به مراحل بالاتر چرخه زندگی شود. همچنین این رویدادها می تواند مراحل چرخه زندگی را طولانی و یا سریعتر کند. مرگ یکی از اعضای خانواده، بیماری، وقوع تصادف، ورشکستگی مالی، و طلاق می تواند سبک زندگی خانواده را دگرگون کند. این رویدادهای تلخ، توان مالی، تاب آوری روحی و روانی اعضای خانواده را تضعیف می کند. البته رویدادهای شیرینی نیز مانند تولد فرزند، ارتقای شغلی، موفقیت های شغلی می تواند به بهتر شدن سبک زندگی خانواده کمک کند.



شکل ۲: عناصر و متغیرهای موثر بر سبک زندگی خانواده ایرانی

تأثیرات دیالکتیکی چرخه زندگی و سبک زندگی

پس از بررسی مستقل و جدا از هم چرخه زندگی و سبک زندگی، اکنون تأثیرات دیالکتیکی این دو متغیر بر همدیگر را در بستر شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اثرات چرخه زندگی بر سبک زندگی

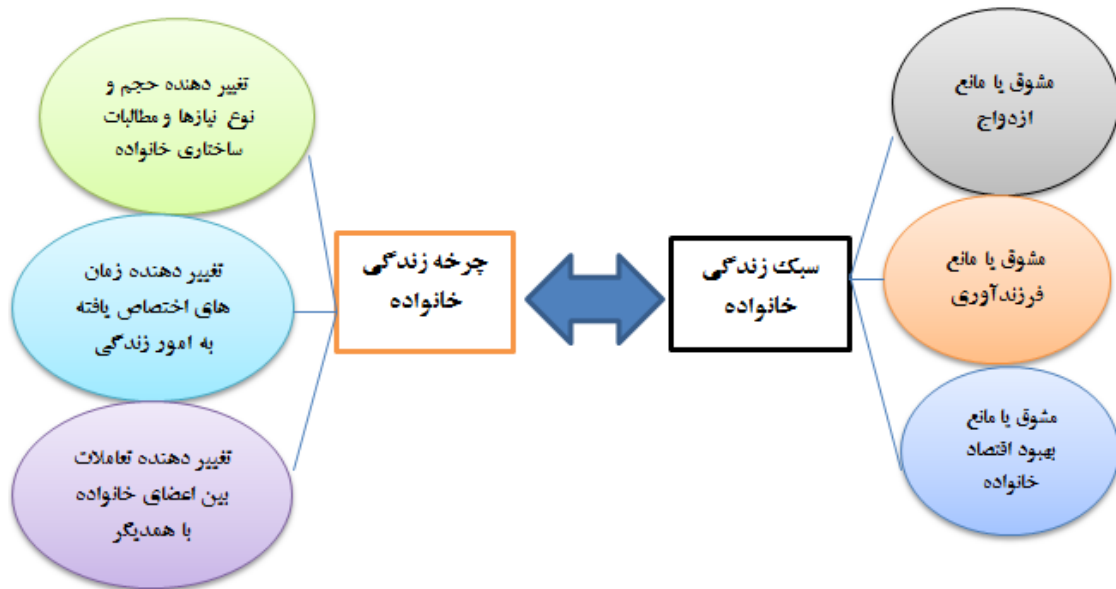
ورود به مراحل بالاتر چرخه زندگی خانواده به سه شیوه مختلف می‌تواند سبک زندگی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. تغییر در حجم و نوع نیازها و مطالبات ساختاری خانواده: نیاز در روانشناسی دلالت دارد بر هر چیزی که برای سلامتی یا بهزیستی شخص لازم است. در صورت فقدان نیاز، آشفته‌گی درونی ایجاد می‌شود که خود موجب سائق می‌گردد (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۸۷۸-۸۷۹). نیازمندی‌های رفاهی خانواده شامل امکانات لازم برای برقراری راحتی فرد است. در اثر ورود زوجین به زندگی مشترک و تولد فرزند، حجم و نوع نیازهای اعضای خانواده تغییر می‌یابد. نیازهای خانواده را به شیوه‌های مختلفی چون نیازهای اجتماعی و غیراجتماعی و مادی و غیر مادی؛ نیازهای واقعی و کاذب می‌توان دسته‌بندی نمود (فیتزپاتریک، ۱۳۸۱: ۲۳-۲۴). مازلو (۱۹۵۴) سلسله مراتب نیازها را تعریف کرد. در قسمت زیرین نیازهای فیزیولوژیکی و جسمانی قرار دارد که بقای انسان مشروط به برآورده شدن آنهاست و نیازهایی است که ایمنی و تامین جسمانی و مادی مربوط می‌شود. سپس به نیازهای می‌رسم که به مناسبات ما با دیگران ارتباط دارد (به‌خصوص نیازهای عاطفی و روابط جنسی). سپس نیاز به احترام و محترم شمرده شدن است و در راس سلسله مراتب، نیاز به خلاقیت و اثبات خویش قرار دارد. در مراحل مختلف چرخه زندگی، نیازها و مطالبات ساختاری خانواده تغییر می‌یابد. در نتیجه ممکن است خانواده مجبور می‌شود برای تامین نیازهای خود، سبک زندگی خود را بر اساس توان خود تغییر دهد. به عبارت دیگر، سبک زندگی در راستای تامین نیازهای اساسی خانواده متناسب‌سازی می‌شود. تغییر در زمان‌های اختصاص یافته به امور زندگی: تغییر مراحل چرخه زندگی فقط به تغییر نیازها پیوند ندارد، بلکه به زمان اختصاص یافته به امور زندگی در پیگیری سبک زندگی خاص نیز بستگی دارد. به ویژه با افزایش تعداد فرزندان، والدین اوقات

کمتری برای سبک زندگی دلخواه خود در اختیار دارند. از طرف دیگر والدین با افزایش سن، تناسب جسمی و ذهنی خود را برای پیگیری سبک زندگی خاص از دست می‌دهند و مجبور هستند سبک زندگی جدیدی متناسب با سن خود در پیش بگیرند. تغییر در تعاملات بین اعضای خانواده با همدیگر: در مراحل مختلف چرخه زندگی، افراد جدیدی به خانواده اضافه می‌شود و یا از آن خارج می‌شود. تغییر افراد با تغییر ترکیب خانواده و به تبع آن تعاملات خانواده همراه است که در نتیجه آنها سبک زندگی نیز می‌تواند دگرگون شود. برای نمونه، در روند جدایی دختران و پسران جوان با تشکیل خانواده جدید، در مثلی از روابط بین سه خانواده، دامنه گسترده‌ای از تعاملات آغاز می‌شود که در همنشینی با عروس و داماد و نوه‌ها و فامیل‌های منتسب به آنها فصل جدیدی از «لذت چرخه زندگی» برای اعضای خانواده رقم می‌خورد (میرزاحمدی، ۱۴۰۰: ۱).

اثرات سبک زندگی بر چرخه زندگی

نه تنها چرخه زندگی بر سبک زندگی تأثیر می‌گذارد، بلکه سبک زندگی نیز بر ورود خانواده به چرخه زندگی و مراحل بالاتر آن موثر است. به این معنا که هر سبک زندگی الزاماتی برای فرد به همراه دارد. از این منظر دو سبک زندگی را می‌توان از همدیگر متمایز نمود: سبک‌های زندگی تسهیل‌کننده چرخه زندگی خانواده و سبک‌های زندگی مسدودکننده یا کندکننده چرخه زندگی خانواده. این تمایز بر اساس ترغیب و تسهیل افراد به ازدواج و فرزندآوری و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده برای گذر از مراحل پایین به مراحل بالاتر چرخه زندگی است. برخی سبک‌های زندگی، افراد را به تشکیل خانواده به رغم مشکلات و تنگنای مالی ترغیب می‌کند. در حالیکه برخی سبک‌های زندگی، مبتنی بر لذت جویی آنی است و ذهنیت فرد را برای ورود به زندگی مشترک خانوادگی و تعهدات زناشویی مختل می‌کند. زندگی مجردی به تدریج به سبک زندگی خاصی تبدیل می‌شود. برخی سبک‌های زندگی هم هرچند مشکلی در ازدواج افراد ایجاد نمی‌کند، شوق و علاقه زوجین را در فرزندآوری نابود می‌کند و زندگی با حیوانات را به جای فرزندآوری تشویق و ترغیب می‌کند.

در آسیب‌شناسی اثرات سبک زندگی بر چرخه زندگی خانواده ایرانی باید اشاره نمود که خانواده ایرانی که مبتنی بر ازدواج قانونی و شرعی زوجین است در سال‌های اخیر رقاباتی برای خود پیدا کرده است که از جمله آنها می‌توان به پدیده‌هایی چون شوگری (شوگردی و شوگر مامی)، ازدواج سفید (هم‌خانگی)، زندگی مجردی و ... اشاره نمود. برخی از این پدیده‌ها با رشد خزنده خود، سبک زندگی ناهنجاری را شکل می‌دهند که هویت خانواده ایرانی و تعادل طبیعی مراحل چرخه زندگی خانواده را به شدت تهدید می‌کنند. در آسیب‌شناسی فردی و اجتماعی این نوع سبک‌های زندگی به صورت اجمالی می‌توان به عدم تعهد افراد به روابط زناشویی با همدیگر، ظهور روابط نامشروع با امکان تولد کودکان نامشروع و یا افزایش سقط‌های جنین غیر قانونی، به هم خوردن فرهنگ خانواده ایرانی به ویژه تعاملات مبتنی بر نسبت‌های فامیلی، افزایش تنهایی فردی و اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی به ویژه سو مصرف مواد، خودکشی، خشونت و ... اشاره نمود.



شکل ۳: دیالکتیک تأثیرات چرخه زندگی و سبک زندگی خانواده

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوب نظری برای درک رابطه چرخه زندگی و سبک زندگی خانواده ایرانی در پژوهش های میدانی (کمی و کیفی) طراحی شده بود. این چارچوب نظری طراحی شده، از آنجا ضرورت دارد که متغیرهای «چرخه زندگی کارآمد خانوادگی» و «سبک زندگی» متغیرهایی اجتماعی-فرهنگی هستند که در جامعه و فرهنگ ایرانی اسلامی، تفاوت های اساسی با جوامع و فرهنگ های دیگر از جمله غربی دارد. در نتیجه مطالعه روابط این متغیرها در قالب نظریه های متفکران غربی، این تفاوت ها را در نظر نمی گیرد و در نتیجه در پژوهش های خانواده با خطای تحلیلی مواجه خواهیم شد.

چارچوب نظری ارائه شده ابتدا عناصر موثر در چرخه زندگی و سبک زندگی را مشخص نمود. بر این اساس در چرخه زندگی عناصر ازدواج، وضعیت جسمی و روحی زوجین، فرزند یا فرزندان، روند جدایی فرزندان از خانواده، توان مالی و اقتصادی خانواده، فضای فیزیکی زندگی، حمایت اجتماعی و خانوادگی، باورها و اعتقادات خانواده مورد بررسی قرار گرفتند. در سبک زندگی نیز بر عناصر طبقه اجتماعی، توزیع قدرت خانوادگی، سبک های فرزندپروری، رفاه منطقه زندگی، فضای فیزیکی خانواده، رسانه، باورها و اعتقادات و رویدادهای چرخه زندگی تأکید شد.

در دالکتیک چرخه زندگی و سبک زندگی خانواده ایرانی اشاره شد که چرخه زندگی خانواده به سه شیوه تغییر در حجم و نوع نیازها و مطالبات ساختاری خانواده، تغییر در زمان های اختصاص یافته به امور زندگی، و تغییر در تعاملات بین اعضای خانواده با همدیگر می تواند سبک زندگی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد.

در تأثیر سبک زندگی بر چرخه زندگی، دو سبک زندگی بر اساس ترغیب و تسهیل افراد به ازدواج و فرزندآوری و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده برای گذر از مراحل پایین به مراحل بالاتر چرخه زندگی از همدیگر متمایز شدند: تسهیل کننده و مسدود کننده یا کند کننده چرخه زندگی خانواده.

چارچوب نظری ارائه شده این توان را دارد که با آسیب شناسی دیالکتیک چرخه زندگی و سبک زندگی در جامعه ایران، راهنمای سیاستگذاری های اجتماعی و اقتصادی کشور باشد. اختلال در چرخه زندگی، با تأخیر در ازدواج، اختلال در فرزندآوری، بحران مالی خانواده و طلاق یا مرگ برخی اعضای خانواده به وجود می آید. در زیر این عوامل و مسایل فردی و اجتماعی حاصل از آنها و آسیب هایی که در سبک زندگی خانواده ایرانی به همراه دارند خلاصه شده است.

جدول ۲: اختلال در چرخه زندگی و آسیب های آن بر سبک زندگی

عوامل اصلی اختلال در چرخه زندگی	مسایل فردی و اجتماعی	آسیب های سبک زندگی
تاخیر در ازدواج رسمی	تجردزیستی؛ ازدواج سفید؛ پدیده شوگرددی و شوگر مامی؛ فساد اخلاقی؛	سبک های زندگی خارج از عرف و قانون
اختلال در فرزندآوری	مسایل روحی و روانی مشکلات روحی، جسمی و مالی ناباروری؛ مسایل جمعیتی کشور	طلاق، پدیده چند همسری، سبک زندگی مبتنی بر حیوان دوستی؛ حیوان گردی
بحران مالی خانواده	فقر شکل گیری خانواده های ناقص؛ بر هم خورد تعادل خانواده؛	آسیب های اجتماعی، بازماندن از تحصیل فرزندان، گدایی، ...
طلاق یا مرگ برخی اعضای خانواده	مسایل روحی و روانی؛ امکان بحران مالی خانواده؛ ایجاد سوگواری مزمن در خانواده	آسیب های اجتماعی مختلف خانواده

برای کنترل آسیب های اجتماعی حاصل از اختلال در چرخه زندگی نکات زیر قابل ذکر است :

بخش مهمی از تاخیر در ازدواج ناشی از وضعیت بد مالی و معیشتی خانواده ها، بیکاری جوانان و مساله مسکن خانواده است. با برنامه ریزی برای حل این مشکلات، بخش مهم اختلال در چرخه زندگی خانواده ایرانی برطرف خواهد شد.

با در نظر گرفتن محدودیت هایی که معماری و ساختار فیزیکی مسکن های مدرن و قوطی کبریتی بر فرزندآوری و فرزندپروری در طول چرخه زوجین اعمال می کند لازم است در «نهضت مسکن» و «سیاستگذاری جوانی جمعیت» تجدید نظر شود. لازمه فرزندآوری و فرزندپروری داشتن «ثبات فضایی»، «ثبات روانی»، «ثبات ساختار و قواعد اقتصادی» به صورت همزمان است. وقتی زوجین، مسکن ثابت با فضایی متناسب با نیازهای خانواده در اختیار ندارند، وقتی ساختار و قواعد اقتصادی به ویژه بازار با «التهاب های سیاسی و اجتماعی»، هر روز دچار افت و خیزهای غیر قابل پیش بینی می شود، نتیجه آن در «ثبات روانی اعضای خانواده»، خود را نشان خواهد داد و زوجین را از فرزندآوری منصرف خواهد کرد.

در طراحی مسکن های جدید، باید عنصر فضا به گونه ای تعریف شود که با تغییرات چرخه زندگی زوجین، نیازهای آنها را برآورده کند و آنها را مجبور به تغییرات مکرر مسکن نکند تا با تقویت ثبات سکونت گاه ها، تعاملات در راستای همیاری خانواده ها افزایش یابد. فقط در اینچنین فضایی می توان زوجین را برای فرزندآوری بیشتر ترغیب و تشویق نمود؛ در غیر این صورت، با عدم بسترسازی، «تشویق های بخشناه ای» مانند اعطای وام فرزندآوری، ثمره ای نخواهند داشت.

اختلال در فرزندآوری، در نتیجه مشکلات ناباوری رخ می دهد که در هزینه های سنگین درمانی آن متحمل زوجین جوان می شود. حمایت مالی از خانواده ها و تامین هزینه های بیمه درمانی و گسترش مراکز درمانی ناباروری در کشور در این حوزه ضرورت دارد.

بخش مهمی از اختلال در چرخه زندگی خانواده به طلاق مربوط می شود که ناشی از انتخاب های نادرست، و عدم درک متقابل زوجین است. با توسعه مراکز مشاوره قبل و بعد از ازدواج می شود جلوی بسیاری از طلاق ها را گرفت.

خانواده ایرانی دژ مستحکم حفظ فرهنگ ایرانی - اسلامی است. بر این اساس باید عزم جدی دولت، در راستای حفظ کیان خانواده باشد.

منابع

- آقایاری هیر، توکل، و داداشی، رویا (۱۴۰۱). بررسی تأثیر الگوی استفاده از رسانه‌های جمعی بر سبک زندگی سالم. رسانه، ۴۳(۳۳) (پیاپی ۱۲۹)، ۸۹-۱۱۱.
- اکبری، شیما، جعفری، علی، و سلطانی، محمد (۱۳۹۹). نقش دیجیتال شدن مصرف رسانه‌ای در سبک زندگی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۱۰(۳۶).
- ایرنا، خبرگزاری ج.ا. ایران، (۱۲ بهمن ۱۳۹۴) حدود ۱۳ درصد زوج‌های ایرانی ناباور هستند، قابل دریافت در www.irna.ir/xjdxpV:
- ایرنا، خبرگزاری ج.ا. ایران، (۱۵ مهر ۱۳۹۴) بیش از سه میلیون زوج ناباور در کشور وجود دارد، قابل دریافت در: www.irna.ir/xjccsh
- باینگانی، بهمن؛ ایراندوست، سید فهیم؛ احمدی، سینا (۱۳۹۲) سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی، مهندسی فرهنگی، سال هشتم پاییز، شماره ۷۷: ۷۴-۵۶.
- حسینی، بیتا. (۱۳۸۹) زمینه زوج درمانی. تهران: انتشارات جنگل.
- زارع، سعید؛ هاشمی، حکیمه. (۱۳۹۲). تأثیر دین بر سیاست‌های جمعیتی و باروری. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۵: ۸۱-۹۵.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۶) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۷۹) جمعیت و تنظیم خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صدوق، شیخ (بی‌تا)، من لایحضره الفقیه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- عزیزی مهر، خیام، و پیری، صدیقه (۱۳۹۷). طبقه، فرهنگ و سبک زندگی (مورد مطالعه: فرهنگ و سبک زندگی «طبقه بالای» جامعه). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۹(۳)، ۱۳۶-۱۶۳.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۲) هنجارشناسی سبک زندگی دینی: تبیین سه اصل محوری، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱، شماره ۱، ۲۰-۶۱.
- علینقی، امیر علی (۱۳۸۸) دین و برنامه‌های تنظیم خانواده: مطالعه موردی ایران، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۷، شماره ۳.
- فتحی، الهام (۱۳۹۸) پدیده سالخوردگی جمعیت در ایران. مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران؛ ۳۰ (۲): ۳۸۷-۴۱۳. URL: <http://ijoss.srtc.ac.ir/article-fa.html۳۵۱-۱>
- فیتزپاتریک، تونی (۱۳۸۱) نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، مترجم هرمز همایون‌پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵) فروع کافی، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- گلایبی، فاطمه (۱۴۰۱). رسانه و سبک زندگی سلامت محور (مطالعه سبک زندگی سلامت محور شهروندان در استان آذربایجان شرقی). مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۴(۲)، ۶۵-۸۰.
- گولد، جولیوس و ویلیام ل کولب (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی (ترجمه گروه مترجمان به کوشش محمد جواد زاهدی)، تهران: انتشارات مازیار.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷) جامعه شناسی. مترجم: منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی.

مهدوی، محمدصادق؛ صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۲) بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده، مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، دوره ۱، شماره ۲، ۶۸ - ۲۷.

موسوی، اشرفسادات. (۱۳۹۷) خانواده درمانی نکات کاربردی. تهران: مهر کاویان.

میرزاحمدی، علی (۱۴۰۰) تورم ساختاری خانواده ایرانی، روزنامه اعتماد، شماره ۵۰۴۱، دوشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۰

میرزاحمدی، علی (۱۴۰۳) تأثیر کیفیت مسکن در فرزندآوری، روزنامه ارمان امروز، شماره ۴۴۳۲، چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳،

قابل دریافت در <https://www.armandaily.ir/?p=42095>

همیلتون، مالکوم (۱۳۷۷) جامعه شناسی دین، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: تبیان

Aghajanian, Akbar (1998), "Family Planning Program and Recent Fertility Trends in Iran". Working paper WP-98-04, MEASURE Evaluation Project, Carolina Population Center, University of Chapel Hill, NC, USA.

Carroll, J. S., Badger, S., & Yang, C. (2006). Delaying Marriage: The Trends and the Consequences.

Carroll, J. S., Badger, S., & Yang, C. (2006). The Ability to Negotiate or the Ability to Love? Evaluating the Developmental Domains of Marital Competence. *Journal of Family Issues*, 27, 1001-1032.

Coplan RJ, Hastings PD, Lagacé-Séguin DG, Moulton CE (2002). Authoritative and authoritarian mothers' parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. *Parenting*. 2(1):1-26.

Good, William J. (1989). *The Family*, Prentice-Hall of India, Second Edition.

Jansen, Sylvia J. T. (2011). Lifestyle Method. *The Measurement and Analysis of Housing Preference and Choice*, 177-202.

Mahzoon, A (2016). Demographic Policy in Iran, Fertility and Aging. Conference on Theoretical and Practical Review of Government-Nation Relations: Past, Present and Future, Allameh Tabataba'i University.

McGoldrick, M., Carter, B., & Garcia-Preto, N. (2010). *The Expanded Family Life Cycle: Individual, Family, and Social Perspectives*. New Jersey, Prentice Hall.

McGoldrick, M., Carter, B., & Garcia-Preto, N. (2011). *The expanded family life cycle: Individual, family, and social perspectives* (4th Ed). Boston: Pearson.

Patterson GR, DeGarmo DS, Knutson N (2000). Hyperactive and antisocial behaviors: Comorbid or two points in the same process? *Development and psychopathology*. 12(1):91-106.

Stella, M. (2003). Marital satisfaction and expectations in the first and last stages of family life cycle. Unpublished Doctoral Dissertation. United States International University [On-line]. Available: www.proquest.com

Thyra C. Uth (1996). Definition of Lifestyle and its Application to travel behavior. PhD student. Department at the Aarhus school of Business. Aalborg, Denmark